مروری بر عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگوی «جوان» با سردار «حمید سرخیلی» فرمانده قرارگاه مدینه

کربلای ۵ در دیپلماسی جنگ سبک جدیدی ایجاد کرد

احمد محمدتبریزی

عملیات کربلای ۵ از بزرگ‌ترین و سرنوشت‌سازترین عملیات‌های ایران در تاریخ دفاع مقدس به شمار می‌رود. کربلای ۵ به فاصله دو هفته پس از عملیات کربلای ۴ در ۱۹ دی ۱۳۶۵ آغاز شد و ضربات سنگینی را به ارتش بعث وارد کرد. پس از این عملیات بود که هم‌پیمانان صدام تصمیم به صدور قطعنامه ۵۹۸ کردند (تیرماه ۱۶۶ این قطعنامه تصویب شد). سردار «حمید سرخیلی» در دو عملیات کربلای ۴ و ۵ جانشین لشکر زرهی ۷ ولی‌عصر (عج) بود و به واسطه حضور در عملیات اطلاعات دقیقی از عملکرد نیروها دارد. سردار سرخیلی که اکنون فرماندهی قرارگاه منطقه‌ای مدینه را بر عهده دارد، در گفت‌وگو با «جوان» از نحوه رسیدن فرماندهان به عملیات کربلای ۵ و چگونگی انجام آن می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

رزمندگان ایرانی و نیروهای بعثی پس از انجام عملیات کربلای ۴ به لحاظ روحی و روانی در چه شرایطی قرار داشتند؟

کربلای ۴ و ۵ به هم پیوسته است و ما یک عملیات با دو نام حسابش می‌کنیم. قبل از کربلای ۴ ما والفجر ۸ را پشت سر گذاشته بودیم. عملیات غرورآفرینی که از اروندرود خروشان عبور کردیم. این عملیات سبک جدیدی از جنگ بود که توسط غواصان اتفاق افتاد و آنها از رودخانه‌ای که در جزر سرعت آب ۸۰ کیلومتر می‌شد، عبور کردند و به ساحل دشمن رسیدند. این عملیات تمام محاسبات دشمن را به‌هم ریخت. ما در چندین عملیات قبل از آن مثل خیبر و بدر تقریباً به اهداف کلیِ‌مان نرسیده بودیم ولی در والفجر ۸ از رودخانه عبور کردیم و دسترسی عراق به دریا و ارتباط زمینی‌اش با کویت را قطع کردیم. وارد خاک دشمن شدیم و یک پایانه نفتی مثل فاو را گرفتیم. عملیات خاصی بود و خاطرم هست برای اینکه در ادامه دسترسی به آن سمت داشته باشیم دنبال ایجاد پل بودیم. در هیچ جای دنیا نمی‌توانستیم چنین پلی برای یک رودخانه عظیم با یک فشار آب بالا پیدا کنیم و خودمان بعد از عملیات پل بعثت و پل‌های شناور را زدیم و خیلی کارهای عظیمی صورت گرفت. به جایی نزدیک شده بودیم که دیگر می‌توانستیم عملیات‌های اینچنینی را ادامه دهیم. در عملیات کربلای ۴ مسیر اصلی‌مان عبور از رودخانه بود و می‌خواستیم نزدیک بصره شویم تا کار را برای یک استان نفت‌خیز سخت کنیم و حتی به عربستان هم نزدیک شویم. این عملیات پیام‌های زیادی داشت که به اهدافش نرسید. لو رفتن عملیات و اینکه دست خیانتی در کار بوده در فشار روحی رزمندگان تأثیر گذاشته بود. تدارک خیلی خوبی برای عملیات دیده بودیم. عمده قوای زمینی در اختیار سپاه بود و تمام لشکرها و تیپ‌های مستقل سپاه مملو از نیروهای بسجی با انگیزه بالا حضور داشتند. بیشتر نیروها می‌دانستند بعد از والفجر ۸ موج جدیدی از کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و تسلیحاتی به صدام شده است. وقتی در کربلای ۴ ورود کردیم، دیدیم نوع پدافند ارتش عراق تغییر کرده است. سنگرهای عظیم ایجاد کرده بود، سلاح‌های جدیدی در سنگرها گذاشته بود و رازیت‌هایی (نوعی رادار) که در اختیار داشت تمام تردد جاده‌های عقب ما را هم متوجه می‌شد. این خیلی کار را سخت می‌کرد. به‌رغم اینکه تدارک زیادی دیده بودیم ولی دشمن تدارک بیشتری دیده بود. تمام کشورهای عربی و امریکا و شوروی همه هم‌قسم شده بودند که صدام در جنگ شکست نخورد. در این عملیات وقتی دشمن را هوشیار و آماده دیدیم از نظر روحی خیلی به ما فشار آمد. از آن سمت حس می‌کردیم دست خیانتی وجود دارد و این بیشتر ما را آزار می‌داد. در همان شب اول عملیات عقب‌نشینی به‌موقعی داده شد. باید یک‌سری از رزمندگانی که در جزایر مانده بودند را تخلیه می‌کردیم و از وضعیت‌شان مطمئن می‌شدیم. چند روز بعد تعدادی از رزمندگان را به عقب آوردیم و اطلاعات خوبی دستمان آمد. ارتش صدام کارهایی را ناجوانمردانه انجام داده بود و غواص‌هایمان را به شهادت رسانده بود و همین فشار روحی سنگینی به رزمندگان می‌آورد ولی این فشار روحی به این معنا نبود که ناراحت از جنگیدن هستند بلکه می‌خواستند جبران کنند و انتقام خون شهدایشان را بگیرند و اهدافشان را دنبال کنند. خیلی از تسلیحات ما دست نخورده بود و باعث می‌شد رزمندگان به فرماندهان و یگان‌ها اصرار کنند که ما توانایی انجام یک عملیات دیگر را داریم و با چنین روحیه‌ای وارد عملیات شدند.

بلوک شرق و غرب از تبعات والفجر ۸ می‌ترسیدند که در عملیات بعدی کار صدام را تمام کنیم؟

بله، والفجر ۸ شرایط سخت‌تری از کربلای ۵ داشت و دشمنان فکر نمی‌کردند ما از چنین رودخانه‌ای عبور کنیم و به مرز کویت و عراق برویم و مرز دریایی به‌جا مانده از جاده ام‌القصر را ببندیم و این برایشان باورنکردنی بود. می‌گفتند ما این همه برای تقویت ارتش عراق تلاش کردیم ولی می‌بینیم نیروهای ایرانی هنوز مصمم به شکست صدام هستند. این خیلی مسئله مهمی بود.

چند روز طول کشید تا فرماندهان به یک جمع‌بندی کلی برای انجام یک عملیات دیگر پس از کربلای ۴ برسند؟

ما ۱۵ روز بعد از کربلای ۴، عملیات کربلای ۵ را انجام دادیم. در کربلای ۴ در دو منطقه عملیات شد. یک منطقه در اروند و در حاشیه پتروشیمی بصره بود و خط اصلی عملیات عبور از آب و رسیدن به پشت بصره و بستن جاده ام‌القصر و البهار بود. چون بخشی از نیروهای صدام سمت فاو آمده بودند و یک خط پدافندی سنگین درست شده بود و می‌توانستیم هم آن را ببندیم و هم کار بصره را تمام کنیم. یک محور ایذایی در کربلای ۴ داشتیم که کنار پاسگاه بوبیان بود. این منطقه فرعی بود. در عملیات‌ها دو منطقه اصلی و ایذایی در نظر گرفته می‌شد تا تمرکز قوای دشمن را از بین ببریم. این بار این دو نقطه نزدیک هم بود و مثل یک حرف ال (L) از خط بوبیان به اروند می‌چسبید و از اروند تا نزدیکی خرمشهر می‌آمد. ما نتوانستیم از منطقه اروند عبور کنیم ولی از منطقه پاسگاه بوبیان عبور کردیم و وارد خاک دشمن شدیم. منطقه‌ای که عملیات ایذایی بود به عنوان عملیات اصلی محاسبه شد. ما در تیپ ۷۲ با لشکر ۱۹ فجر فارس در این منطقه ایذایی شرکت کردیم و وارد منطقه پنج ضلعی شدیم. این یک مبنایی شد که در جلسات بعدی گفتند از میدان مین و سیم خاردارها عبور کرده‌ایم. از موانع اصلی دشمن عبور کردیم و شرایطی فراهم شده که بتوانیم عملیات بعدی را از همین محور ادامه بدهیم. در این یکی، دو هفته درباره ادامه عملیات بحث شد و چون از قبل شناسایی‌ها انجام گرفته و همه چیز آماده بود به این فکر رسیدیم حالا که معبر باز شده می‌توانیم ادامه بدهیم. اطلاعاتی که به ما رسیده بود نشان می‌داد صدام از پیروزی در کربلای ۴ دچار غرور شده و آنها را غافل کرده است. معمولاً وقتی ما چنین عملیاتی انجام می‌دادیم شش ماه یا یک سال بعد دست به انجام عملیات بزرگ دیگری نمی‌زدیم. غرور در پیروزی صدام و آمادگی تجهیزات ما که دست نخورده بود و محوری که باز شده بود دست به دست هم داد تا فرماندهان در جلسات دقیق به این نتیجه برسند که عملیات را در محور پاسگاه بوبیان ادامه دهیم و خودمان را به بصره نزدیک کنیم.

> منطقه بین پاسگاه بوبیان تا اروند از کانال‌های زوجی، سیم‌خاردار و میدان مین پوشانده شده بود. اگر از این منطقه نفوذ ایجاد می‌شد می‌توانستیم از این رخنه نیروهای دیگر را وارد کنیم و توسعه وضعیت بدهیم. ارتش صدام بین یگان‌های ارتش با سیم‌خاردار فاصله انداخته بود تا اگر از یک نقطه شکست خوردند نتوانیم توسعه وضعیت بدهیم

پس موفقیت در کربلای ۵ نتیجه عملکرد ما در کربلای ۴ بود. می‌توان گفت اگر ما کربلای ۴ را انجام نمی‌دادیم هیچ‌گاه به کربلای ۵ نمی‌رسیدیم؟

اصلاً به چنین نتیجه‌ای نمی‌رسیدیم. روحیه نیروها از جهتی تضعیف شده بود اما مصمم‌تر برای ادامه عملیات بودند. روزنه فیزیکی و تاکتیکی عملیات و یک معبر نفوذ برایمان باز شده بود. از آن طرف بخش زیادی از نیروهای دشمن خیالشان راحت بود که ما به این زودی عملیاتی نخواهیم داشت.

چطور در کربلای ۵ دستگاه‌های اطلاعاتی بلوک شرق و غرب متوجه عملکرد نیروهایمان نشدند؟

ما در کربلای ۵ هیچ جابه‌جایی نداشتیم و قوا، خط پدافندی و کارهای مهندسی انجام شده بود. ما جابه‌جایی سنگین نداشتیم و فقط شب عملیات گردان‌هایمان را می‌خواستیم به خط بیاوریم و عملیات کنیم. اما برای کربلای ۴ برای تدارک چنین عملیاتی در نخلستان‌ها جاده می‌کشیدیم، انتقال تجهیزات سنگین و نفربر داشتیم و این حرکت کردن لو رفته بود. وقتی کربلای ۴ انجام شد تجهیزات سنگین ما هیچ جابه‌جایی نداشت.

آنها از چند روز تا یک هفته هوشیار بودند که ما عملیات می‌کنیم یا نه، وقتی دیدند برای تشییع پیکر شهدا رفته‌ایم فکر نمی‌کردند که دوباره دست به عملیات بزنیم. همه قوا در منطقه حضور داشتند فقط باید یک انتقال شبانه گردانی انجام می‌دادیم که بدون سر و صدا اتفاق می‌افتاد. عمده قرارگاه‌ها و عقبه‌ها در منطقه بود.

ایده چنین عملیاتی در جبهه دو طرف بی‌سابقه بود؟

اولین بار بود چنین وضعیتی اتفاق می‌افتاد و محور فرعی عملیات چسبیده به منطقه اصلی بود و معبر باز شده باشد. این معبر باز است و تمام سنگرها و یگان‌ها در منطقه باقی مانده‌اند و فقط نیروها در عقبه قرار دارند. در جلسات هوشمندانه فرماندهان این عملیات طراحی شد که خیلی بی‌نظیر بود. رزمندگان هم تصمیم فرماندهان را به خوبی پشتیبانی کردند و بدون شبهه‌ای به عملیات ورود کردند و کربلای ۵ را رقم زدند. پس از آن قطعنامه‌های بین‌المللی صادر شد و جهان فهمید که دیگر نمی‌تواند از عراق دفاع کند.

منطقه کربلای ۵ با کربلای ۴ به لحاظ وسعت و داشتن ابتکار عمل چه تفاوت‌هایی داشت؟

از نظر وسعت کمتر اما پیچیده‌تر بود. منطقه بین پاسگاه بوبیان تا اروند از کانال‌های زوجی سیم‌خاردار و میدان مین تشکیل شده بود. اگر از این منطقه نفوذ ایجاد می‌شد می‌توانستیم از این رخنه نیروهای دیگر را وارد کنیم و توسعه وضعیت بدهیم. ارتش صدام بین یگان‌های ارتش با سیم‌خاردار فاصله انداخته بود تا اگر از یک نقطه شکست خوردند نتوانیم توسعه وضعیت بدهیم. این یک کار جدید بود که قبلاً از دشمن ندیده بودیم. در منطقه کربلای ۵ آن‌قدر فشردگی موانع و تجهیزات دشمن وجود داشت که عمده قوایش را عقب برده و با تجهیزات زمین را مسلح کرده بود تا در نیروهایش صرفه‌جویی کند. حدود ۱۰۰ لشکر و تیپ را عقب برده بود تا در پاتک‌ها استفاده کند. منطقه فشرده و سختی برای عملیات بود. فرماندهان و رزمندگان به این نتیجه رسیدند دوباره از رخنه‌ای که در پاسگاه بوبیان ایجاد شده استفاده کنیم و دوباره از عبور آب استفاده کردیم. از منطقه آبگرفتگی کنار پاسگاه بوبیان تا زید استفاده کردیم و دشمن را دور زدیم و پشت کانال ماهی و در پنج ضلعی رفتیم. باز نسبت به دشمن مستقیم عمل نکردیم و رخنه‌ای که ایجاد کرده بودیم باعث شد پشت سر دشمن برویم، پشت کانال‌های زوجی دربیاییم و با قوای دشمن درگیر شویم. به همین دلیل در کربلای ۵ موفق شدیم با حدود ۱۰۰ لشکر و تیپ صدام درگیر شویم و تلفات سنگینی از دشمن بگیریم. دشمنان فکر می‌کردند با مسلح کردن زمین مانع عبورمان می‌شوند ولی ما این روزنه عبور را از آب و پشت سر دشمن انجام دادیم. همان روزنه کربلای ۴ به ما درس خیلی خوبی داد و توانستیم صدام را در کربلای ۵ غافلگیر کنیم. این عملیات کار ساده‌ای نبود. جمله‌ای از حاج‌قاسم سلیمانی یادم هست که بعد از جنگ ۳۳ روزه گفت. ایشان توضیح می‌داد در این عملیات اسرائیلی‌ها حجم وسیعی از تسلیحات و تجهیزات را وارد عملیات کردند ولی جنگ ۳۳ روزه به اندازه بند انگشت کربلای ۵ نبود. این نشان از سنگینی و سختی این عملیات دارد. کربلای ۵ خیلی مهم بود و صدام در هر وجب و متر، صدها گلوله فرود آورد و موفق نشد منطقه‌ای که تصرف کرده بودیم را پس بگیرد. این منجر شد به هم‌پیمانان صدام به این نتیجه برسند تا قطعنامه‌ای بین‌المللی صادر کنند تا فشار عملیات‌مان کم شود.

وضعیت اضافه شدن نیروها به جبهه برای کربلای ۵ به چه شکل اتفاق افتاد و آیا حجم نیروها از عملیات کربلای ۴ بیشتر شد؟

ما در کربلای ۴ شهدایی داده بودیم ولی بلافاصله رزمندگان دیگری برای عملیات آماده می‌شدند. لشکر ۷ ولیعصر با ۱۲ گردان عملیات کربلای ۴ را شروع کرد و چند گردان تلفات داد و عقب آمد. بلافاصله لشکر ما با حجم وسیعی از بسیجی‌های داوطلب جدید روبه‌رو شد و پس از کربلای ۴ تا ۲۲ گردان لشکر افزایش گردان داشت. در کربلای ۵ صدام خیلی فشار آورد و شهدای زیادی دادیم. همچنین در بُعد فرماندهان، اولین عملیاتی است که تعداد زیادی از فرماندهان‌مان به شهادت می‌رسند. شهید خرازی، شهید سپاسی و دیگر فرماندهان بزرگ را در کربلای ۵ از دست دادیم. فرماندهان برای هدایت چنین عملیات حساسی در خط مقدم کنار نیروهایشان می‌جنگیدند. وقتی از رودخانه دویرج عبور می‌کردیم جنگ تن به تن بود و شبانه‌روزی اتفاق می‌افتاد. در نخلستان جنگ تن به تن بود و به هیچ عنوان نیروهای ارتش صدام حاضر به عقب‌نشینی نبودند. این‌طور نبود که فکر کنیم حالا که دور خورده‌اند بخواهند مقاومت نکنند بلکه آنها هم به سختی می‌جنگیدند و مقاومت می‌کردند.

> هفت، هشت روز می‌جنگیدیم و پاتک‌ها را جواب می‌دادیم. پاتک‌هایی که با ۵۰ تانک شروع می‌شد و به ۱۰۰ تانک می‌رسید. صدام اجازه نمی‌داد ما به آنجا نزدیک شویم و شب‌ها با نیروهای پیاده و صبح‌ها با تانک و هواپیما پاتک می‌کرد. این عملیات بسیار حساس بود و خوشبختانه رزمندگان سربلند از آن بیرون آمدند

اولین روز عملیات کربلای ۵ چگونه پیش رفت؟

در بعضی نقاط به موانع سنگین دشمن خوردیم و پنج ضلعی در منطقه کنار کانال ماهی باز شد و همین مسیر اصلی‌مان شد. یگان‌ها از سمت راست منطقه و شمال منطقه عملیاتی به پنج ضلعی ورود کردند و از پشت موانع شروع به پاکسازی کردند. خط مقدم خیلی خط شکسته نشد اما از همین منطقه ورود یگان‌ها شروع شد و تا کنار اروند ادامه پیدا کرد. این کار خیلی عظیمی بود. دشمن هم از همین منطقه بیشتر فشار می‌آورد. خاطرم هست شب‌های آخر که دشمن به لشکر می‌زد و می‌خواست پنج ضلعی را بگیرد و به دنبال تخریب پل سوم کانال ماهی بودیم. جلسه کوچکی در پنج ضلعی برگزار شد. جانشین قرارگاه کربلا، سردار اسدی و آقای رئوفی و خیلی دیگر از فرماندهان بودند. در آن جلسه بحث شد شهید زیادی داده‌ایم و این پل را چه کسی می‌گیرد. به بچه‌های زرهی امر کردند که از روی جاده پاسگاه بوبیان با یک گردان به پل سوم بزنید. در روز می‌خواستیم این کار را انجام دهیم. پاسگاه بوبیان جاده‌اش بلند و سمت راستش آب بود و روبه‌رویمان ۳۰ تا ۴۰ تانک دشمن بود و هواپیماهایش بمباران‌مان می‌کرد. وضعیت بغرنجی بود و به دلیل محدودیت زمین فقط توانستیم از یک گردان ۷۸ تانک بیرون ببریم. به پاسگاه حمله کردیم و چند تانک‌مان خورد اما بچه‌ها به روی کانال و پل سوم رسیدند. از سمت چپ بچه‌های لشکر ۷ ولی‌عصر، بچه‌های ۳۳ المهدی و الغدیر وارد شدند. در این زمین محدود و کوچک چندین لشکر با گردان‌هایش عمل می‌کرد. نیروهای دشمن هم حضور داشتند و در آخر توانستیم پل سوم را بگیریم و بچه‌های تخریب پل سوم را منفجر کردند و تقریباً کربلای ۵ به انتها رسید.

روز چندم عملیات به جاده آسفالت رسیدیم؟

ما روز دوم و سوم رسیدیم اما هفت، هشت روز می‌جنگیدیم و پاتک‌ها را جواب می‌دادیم. پاتک‌هایی که با ۵۰ تانک شروع می‌شد و به ۱۰۰ تانک می‌رسید. صدام اجازه نمی‌داد ما به آنجا نزدیک شویم و شب‌ها با نیروهای پیاده و صبح‌ها با تانک و هواپیما پاتک می‌کرد. ما همان روزهای اول رسیدیم اما باید روزها می‌جنگیدیم و این عملیات بسیار حساس بود و خوشبختانه رزمندگان سربلند از آن بیرون آمدند. ما یک جنگ ۱۵،۱۶ روزه پرفشار را طی کردیم و ۲۵ روز مقاومت‌های بعدی بود. وقتی مقاومت کردیم خط پدافندی تثبیت شد و صدام مجبور شد نیروهایش را عقب بکشد و دیگر کارهای دیپلماسی شروع شد. آتش توپخانه دشمن و بمباران‌هایش تا مدت‌ها ادامه داشت و پذیرفت منطقه‌ای که از دست داده را نمی‌تواند پس بگیرد. به همین خاطر به سراغ بازسازی نیروهایش رفت و ما هم قوای زیادی برایمان باقی نمانده بود و فقط در حد تثبیت خط نیرو داشتیم. سال ۱۳۶۶ بحث قطعنامه پیش آمد و حضور امریکایی‌ها در جنگ جدی شد. جنگ خلیج فارس گسترش پیدا کرد و امریکایی‌ها به شکل دیگری به کمک صدام آمدند. وقتی صدام با ۱۵۰ لشکر و تیپ و هواپیما و تانک نتوانست مواضعش را حفظ کند باید با شکل دیگری کمکش می‌کردند. جنگ نفتکش‌ها به شدت ادامه پیدا کرد و جلوی صادرات نفت ما را گرفتند و ما با هلی‌کوپتر و ناوچه‌های امریکا درگیر بودیم و در آخر در سال ۱۳۶۷ هواپیمای مسافربری ما را زدند. امریکا و دیگر کشورها در کنار صدام یک جنگ بین‌المللی را شروع کردند تا فشار را به جمهوری اسلامی بیشتر کنند.

کربلای ۵ چه تأثیرات سیاسی‌ای در جبهه‌ها گذاشت؟

به جرئت می‌گویم یکی از مهم‌ترین عملیات‌ها در هشت سال دفاع مقدس کربلای ۵ بود. کربلای ۵ در حیات سیاسی و نظامی ما تأثیر زیادی داشت. کارهایی که در کربلای ۵ اتفاق افتاده مبنایی شد برای عملیات‌ها بعدی و امروز بر خودکفایی ما تأثیر زیادی دارد. در دیپلماسی سیاسی دوران جنگ سبک جدیدی ایجاد شد. اثرات کربلای ۵ به تصویب قطعنامه ۵۹۸ رسید و بعد به اتمام جنگ منجر شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۸۴۰

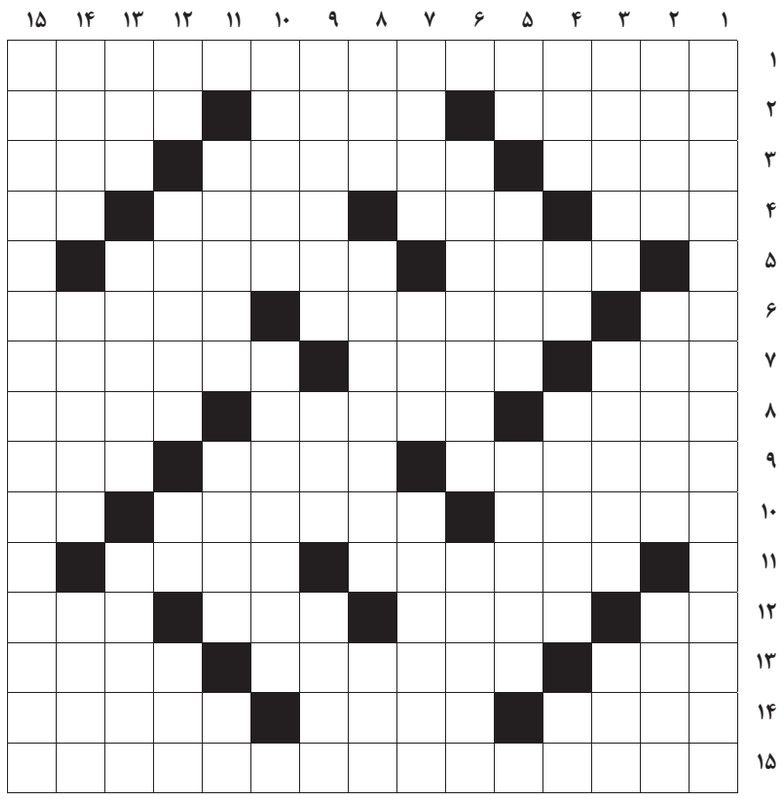

از راست به چپ

■ ۱- اثری از ارنست همینگوی ■ ۲- اعوان- جواب پشتک- پرنده نشان ملی آلمان ■ ۳- هوس باردار- برتری- میوه باب گلو ■ ۴- روزگار- جامه آخرت- خودروی باری کوچک- تصدیق انگلیسی ■ ۵- پایتخت شاهرخ تیموری- شراع کشتی‌ها ■ ۶- تیم فوتبالی در فرانسه- لقمه نباید اینگونه باشد- روزنامه ژاپنی ■ ۷- شستن فرنگی- ضرورت ورزش تیراندازی- رود افغانستان ■ ۸- آنان- قلعه تگزاس- گوشت گیاهی ■ ۹- برابری- صفحه‌آرایی- نزاکت ■ ۱۰- قول و قرار- پرسپکتیو- از گروه‌های خونی ■ ۱۱- قوی‌هیکل- محافظ شخصی ■ ۱۲- مایه حیات- پایتخت لیدی‌ها- دریاچه زیبای لرستان- خس‌خس سینه ■ ۱۳- درخت انگور- نوعی دستگاه چاپ- جهنم ■ ۱۴- گونه و رخسار- سرنیزه- سید شهیدان اهل قلم ■ ۱۵- از سازمان‌های وابسته قوه قضائیه که مهم‌ترین وظیفه آن انتشار قوانین و مقررات و همچنین مذاکرات مجلس شورای اسلامی است

از بالا به پایین

■ ۱- اثر هارولد لمب، نویسنده امریکایی و صاحب آثاری چون چنگیزخان و شعله‌های اسلام ■ ۲- ستون و رکن- شهری در فرانسه- مهاجم تیم ملی ایتالیا در جام جهانی ۱۹۹۴ ■ ۳- پایتخت زیمبابوه- جرئت- گنج ■ ۴- سگ بیمار- جوی خون- ارفاق- نفس خسته ■ ۵- ضمیر اشاره- کاغذ نقشه کشی- نورها ■ ۶- دستگاه تقسیم برق در خودرو. رسم شده ■ ۷- نامی دخترانه از گل- فیلمی به کارگردانی و نویسندگی ابوالفضل جلیلی- کنگره ■ ۸- پول تایلند- بلندترین قله خراسان- از سازهای موسیقی ■ ۹- دریاچه مریوان- آقا و سرور- کتاب رکوردها ■ ۱۰- فرزندان- رود بزرگ چین ■ ۱۱- محل ذخیره کالا- خرمافروش- حرف خطاب ■ ۱۲- خدای خورشید مصریان- بنا نهادن- صدمتر مربع- آلت نخ‌ریسی ■ ۱۳- گریبان- ناشایست- گدا ■ ۱۴- محصول کاشان- آشکار- دوباره ■ ۱۵- اولین صوفی‌ای که اصول تصوف را در خراسان اشاعه داد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۲		۱
			۱	۴	۹			
۴	۵							
						۳		۹
۲			۳	۱				
۳	۴		۶					
							۶	
۵					۱			۸
	۹	۸			۵		۳	

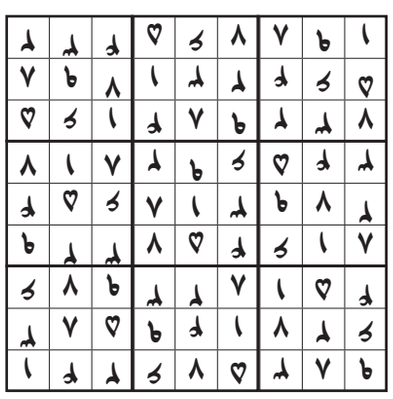

جدول کلمات متقاطع
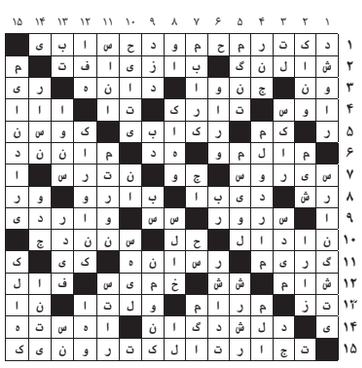
پاسخ جدول شماره ۵۸۳۹